



برنامه تخیلی توسعه؟
رویارویی منتقدان با برنامه هفتم توسعه



عاملان بحران دریاچه ارومیه
گفت‌وگو با عضو سابق ستاد احیای دریاچه



مصوبه گنگور به مجمع می‌رود
اصرار نمایندگان مجلس بر مصوبه خود



به‌کارگیری دوباره دکتر نیلی
پاسخ دانشگاه صنعتی شریف به سازندگی

ارتش مظلوم

جنگ و دفاع مقدس به روایتی دیگر



سید محمود عیبراهیمی
عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

آنچه که در ارزیابی به جنگ تحمیلی کمتر مورد اشاره قرار گرفته، نقش اتحاد جماهیر شوروی و عوامل آن کشور در برنامه‌ریزی و نقش‌آفرینی در جنگ تحمیلی است.

سرنان اتحاد جماهیر شوروی که قبل از انقلاب ۱۹۱۷ به دنبال دسترسی به آب‌های آزاد بودند، سیاست نفوذ در ارتش‌های کشورهای همسایه را در پیش گرفتند و در ایران توانستند با تبلیغات گسترده حزب توده، عده‌ای از پاک‌ترین نظامیان وطن‌پرست را جذب کنند، ولی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، سازمان افسران حزب بوده، توسط ضداطلاعات ارتش به کمک آمریکا و انگلیس کشف شد و اغلب افسران این سازمان اعدام شدند. با این حال، بخشی از عوامل نفوذی اتحاد جماهیر شوروی همچنان در ارتش حضور داشتند و در رژیم گذشته هم دست به اقداماتی زدند که زود کشف شد. به عنوان نمونه سرلشکر مقرری که رئیس ضداطلاعات ارتش و از نفوذی‌های حزب توده و عوامل اتحاد جماهیر شوروی بود که دستگیر و به اعدام محکوم شد.

با شروع اعتراضات مردمی به رهبری امام خمینی در سال ۵۶ نیروهای متدین و انقلابی در داخل ارتش هم فعال شدند. اغلب نیروهای مذهبی ارتش وابسته به انجمن حجتیه بودند که موضع شدید ضد مارکسیستی داشت. امثال شهید صیادشیرازی، شهید مقرری، شهید کلاهدوز و ده‌ها افسر شایسته دیگر از تربیت‌شده‌های انجمن حجتیه بودند که در دوران انقلاب به انقلاب پیوستند و بخشی از نیروهای انقلابی داخل ارتش هم وابسته به جریان‌های چپ و تفکر دکتر شریعتی بودند. البته سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا از نفوذ گسترده در جریان چپ انقلابی برخوردار بودند که نمونه بارز آن سرهنگ معزی، خلبان مخصوص شاه بود که از قبل از انقلاب با سازمان مجاهدین خلق مرتبط بود و در نهایت مسعود رجوی و بنی‌صدر با هوایم‌های سوخت‌رسان به خلبانی سرهنگ معزی فرار کردند.

جریان چپ قبل از انقلاب، تفکر مبارزه مسلحانه علیه ارتش را مطرح کرد که با مخالفت شدید امام خمینی مواجه شد و امام از اول تلاش در جذب ارتش و توصیه به پیوستن ارتش به مردم داشتند.

نیروهای انقلابی درون ارتش با پیروی از امام تلاش کردند، ارتش را بسا مردم پیوند دهند و حضور افراد نیروی هوایی در اجتماعات مردمی سال ۵۷ چشمگیر بود و در نهایت، بیعت همافران در ۱۹ بهمن سال ۵۷ منجر به فروپاشی انسجام ارتش در مقابل مردم و پیروزی انقلاب شد. از اولین روزهای بعد از پیروزی انقلاب از طرف گروه‌های چپ و وابسته به اتحاد جماهیر شوروی و عضو حزب توده بحث ضد مردمی بودن ارتش و ضرورت انحلال ارتش مطرح شد که با مقاومت نیروهای متدین داخل ارتش و حمایت امثال شهید چمران و شخص امام خمینی موضوع انحلال ارتش منتفی شد، اتحاد جماهیر شوروی نیز که در کشور همسایه افغانستان توانسته بود با نفوذ در ارتش و انجام کودتا، محمدظاهر شاه را برکنار و عوامل خود را در رأس حکومت قرار دهد. به دنبال اجرای همین نقشه برای ایران بود و صدام حسین را نامزد انجام این ماموریت کرد. حکومت بعث عراق که قرارداد الجزایر را که در زمان اوج قدرت ارتش شاه منعقد شده بود، تحمیلی می‌دانست و شخص صدام حسین که با جاه‌طلبی خود می‌خواست جای عبدالناصر در جامعه عربی را بگیرد، بهترین مهره برای انجام این ماموریت بود. ولی انجام چنین ماموریتی نیاز به مقدماتی داشت. ارتش ایران در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب از تسون رزمی بالایی برخوردار بود.

ادامه در صفحه ۳

گفت‌وگوی سازندگی با هادی حجازی‌فر به بهانه پخش سریال عاشورا

باچ نمی‌دهم

- تلاش کردم سریال عاشورا مغلوب شعارهای جاری نشود
- من نمی‌توانم علیه تصویر ذهنی مردم از جنگ، عصیان کنم ● حمید باکری مظلوم بود، او را مجبور می‌کنند توبه‌نامه بنویسد ● مهدی باکری مخلص‌تر از آن چیزی بود که نشانش دادم
- به پسر حمید باکری گفتیم: نه تاریخ را جعل می‌کنم و نه باچ می‌دهم



گلاویز نادری
دبیر گروه
سینما و تلویزیون

سریال «عاشورا» بدون شک یکی از بهترین آثار تصویری درباره دفاع مقدس است. هادی حجازی‌فر که بیشتر او را به‌عنوان بازیگر می‌شناسند، تصویری به‌شدت واقعی و درست از جنگ را در این سریال ارائه داده است. او به توصیه پدرش به سراغ ساخت مجموعه‌ای درباره مهدی و حمید باکری می‌رود و روایت دقیقی را از زندگی، حضور آنها در جنگ و شهادت‌شان به تصویر می‌کشد که ماحصل هفت، هشت ماه تحقیق و پژوهش و البته خاطرات و تجربیات کودکی خودش از جنگ است.

ادامه در صفحه ۴

در اجاره دولت

به‌کارگیری دوباره دکتر نیلی

پاسخ دانشگاه شریف به گزارش سازندگی

روابط عمومی دانشگاه صنعتی شریف در پاسخ به دو گزارشی سازندگی، پاسخی برای روزنامه ارسال کرد که در ادامه می‌خوانید: عطف به انتشار مطالبی با عنوان «خانه‌نشینی اجباری» و «بی‌خبری منخبس» در تاریخ سوم و چهارم مهر ماه ۱۴۰۲، روابط عمومی دانشگاه صنعتی شریف لازم می‌داند توضیحات زیر را منتشر کند:

۱ بررسی درخواست‌های تعویق بازنمیتگی تعدادی از اعضای محترم هیات علمی دانشگاه در جلسه هیات‌امانی دانشگاه صنعتی شریف، مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۲، ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ (دوره پیشین هیات‌امانی دانشگاه) انجام شده است. بر اساس ضوابط مندرج در مصوبه فوق‌الذکر، سقف سنی بازنمیتگی برای عضو هیات علمی استادیار، دانشیار و استاد، به ترتیب ۶۵، ۶۷ و ۷۰ سال است.

۲ همان‌گونه که در جوابیه جناب آقای دکتر مسعود نیلی به آن جریده هم آمده است، موعد بازنمیتگی ایشان ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ بوده است که دانشگاه درخواست تعویق بازنمیتگی ایشان را به مدت یک سال در دستور جلسه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۷ هیات‌امانی دانشگاه قرار داد که در مجموع با تعویق بازنمیتگی ایشان تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۳۱ (انتهای نیم‌سال تحصیلی، جمعاً به مدت هفت ماه) موافقت شد.

۳ واضح است که بازنمیتگی یک رخدادهای اداری و تابع قوانین کشوری است و بازنمیتگی است و مانع ادامه فعالیت علمی استادیار نیست. بر این اساس، به‌کارگیری عباراتی نظیر، «افرادی همچون مسعود نیلی در اوج تخصص و بهره‌وری ناچار است تدریس و حضور در دانشگاه را کنار بگذارد» ناآگاهانه و غیر علمی است؛ کم‌اینکه جناب آقای دکتر نیلی، درحال حاضر نیز به‌رغم بازنمیتگی، به‌عنوان استاد مدعو در دانشکده مدیریت و اقتصاد تدریس دارند و همچنین اعضای هیات علمی بازنمیتسه، بر اساس ضوابط موجود، می‌توانند به‌عنوان استاد راهنمای دوماه هم‌کاری پژوهشی خود با دانشگاه نیز ادامه دهند.

با توضیحات فوق، از همه اشخاص حقیقی و حقوقی و به‌ویژه مطبوعات، تقاضا می‌شود امور مربوط به دانشگاه را به ارکان قانونی و تخصصی دانشگاه واگذارند و از اظهاراتی که می‌تواند در آغاز سال تحصیلی آرامش محیط دانشگاهی را مختل نماید، پرهیزند. در نهایت لازم است از همکاری عزیزان جناب آقای دکتر نیلی که متواضعانه با روند‌های قانونی دانشگاه همراهی و در روزهای اخیر در جهت جلوگیری از اضافه‌شدن حاشیه‌های رسانه‌ای و سیاسی به این موضوع اداری، مساعی خود را به کار گرفتند، قدر دانی کنیم و برای ایشان آرزوی سلامتی و توفیق داریم و امیدواریم دانشگاه بتواند همچنان از خدمات آموزشی و پژوهشی ایشان بهره‌مند بماند.

احزاب

جزئیات دیدار با روحانی

محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران: تا انتخابات حدود ۶ ماه فرصت است و از الان زود است که درباره انتخابات صحبت شود. بنابراین معتقدیم تا شرایط دقیقاً معلوم نشود، باید صبر کرد. هاشمی با بیان اینکه «این دیدار، دوشنبه بعد از ظهر و به مدت حدود دو ساعت و نیم انجام شد»، گفت: در این نشست دبیرکل حزب کارگزاران و اعضای کمیته سیاسی صحبت کردند و نظرات خود را ارائه دادند. به صحبت‌های جناب آقای روحانی هم گوش دادیم و در نهایت هم نظرات مطرح شده جمع‌بندی شد. رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران گفت: توقع حزب کارگزاران از نخبگان سیاسی از جمله خود آقای روحانی این است که با شجاعت و متانت بیشتری پا به عرصه سیاسی بگذارند. محسن هاشمی در توضیح بیشتر این توقع از روحانی گفت: در صورت چنین کنشگری و سیاست‌ورزی است که احزاب همسو، لایه‌های میانی و طرفداران اصلاحات و اعتدال‌کنشگری از بالا را حس می‌کنند تا در زمان مناسب به میدان بیایند که این جریان بتواند کرسی‌های سیاسی مثل مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، ریاست‌جمهوری و شوراهای شهر را به دست بیاورند. او با بیان اینکه «به این صورت است که جریان اصلاحات و اعتدال می‌تواند نظرات خود را اعمال کند»، گفت: در صورتی که نخبگان دارای کاریزمای سیاسی این کار را انجام ندهند و با شجاعت پا به عرصه بگذارند، این فعالان از بالا تا پایین تسری پیدا می‌کند.

محکوم به مبارزه مسالمت‌آمیز

محسن آرمین، نایب‌رئیس جبهه اصلاحات: ما محکوم به مبارزه مسالمت‌آمیز و کم‌زیننه برای نجات کشور هستیم. اگر این حقیقت را بپذیریم آنگاه فضای ذهنی برای کشف و ابداع راهکارهای تازه و موثر فراهم می‌شود. وقتی فهمیدیم که به کسی جز خودمان نمی‌توانیم تکیه کنیم، به جای طلبکاری از یکدیگر، خواهیم پرسید چه ظرفیت‌های نامکشوف و عقلانی وجود دارد که باید فعال شود.

خالص‌سازی در آموزش و پرورش

منصور حقیقت‌پور، نماینده ادوار: شواهد و قراین نشان می‌دهد که اتوبوس خالص‌سازی به ایستگاه آموزش و پرورش رسیده و گویا قرار است خیلی‌ها را از اتوبوس پیاده کند. برخی نیروهای زحمت‌کش جامعه معلمان که نسبت به شرایط فعلی‌شان اعتراض داشتند و وضعیت فعلی را متناسب با منزلت معلمان نمی‌دانستند، یا درحال حذف شدن یا جابه‌جایی هستند.

وسعت نظر در تأیید صلاحیت‌ها

مصطفی پورمحمدی، رئیس شورای وحدت اصولگرایان: نفس نامه‌نگاری و مکاتبه با اعضای شورای نگهبان اعم از فقهای محترم و حقوقدانان مفید است و به هر روی می‌خواهیم مشارکت در این دوره بالاتر از دوره قبل باشد. لازم است شورای نگهبان با وسعت نظر بیشتری در بحث تأیید صلاحیت‌ها ورود کند. همه باید بدانیم تنها راه صلاح و سداد تنها از طریق صندوق رای حاصل می‌شود.

برنامه تخیلی توسعه؟

منتقدان برنامه هفتم توسعه را فاقد فهم علمی توسعه می‌دانند که انطباقی با مناسبات داخلی و خارجی کشور ندارد

از طریق فشار آوردن بر مردم جبران کند و از قضا هیچ دیواری کوتاه‌تر از کارگران پیدا نکرده است. دولت از یک طرف در مقابل افزایش عادلانه دستمزد مقاومت می‌کند و از طرف دیگر، به دنبال این است که در مقوله صندوق‌های بازنمیتگی به بیمه‌شدگان فشار بیشتر وارد کند.

در این برنامه، «ماده» است که به نوعی مخالف کارگران و مغایر با قانون کار تدوین شده است. «سمیه گلیور»، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور با اشاره به تقدیمی درباره ماده ۱۵ برنامه هفتم توسعه که به کارفرما اجازه می‌دهد کمتر از حداقل دستمزد به کارگر بپردازد، به تسنیم گفته که «حقوقی که در قانون کار برای کارگر دیده شده است در این ماده دیده نشده است».

سراب توسعه علم و فناوری

از جمله انتقادات به برنامه هفتم توسعه در «علم و فناوری» است که برخی از منتقدان می‌گویند که «از برنامه چهارم هم ضعیف‌تر است.» «عماد احمدوند»، دبیر ستاد توسعه فناوری نانو به نقل از فارس، در جلسه بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه که در مرکز پژوهش‌های مجلس برگزار شد، اظهار کرد که «نگاه برنامه هفتم توسعه به حوزه علم و فناوری، در کنار برخی جنبه‌های مثبتی که دارد، شاید حتی ضعیف‌تر از نگاه برنامه چهارم توسعه به این حوزه باشد؛ به طوری که در برنامه هفتم توسعه، هیچ اشاره‌ای به مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان نشده است. بررسی این برنامه نشان می‌دهد که این برنامه در حوزه‌های جدیدی مانند ارتقای فناوری‌های نوین و تجاری‌سازی علم و فناوری هیچ بند و حکمی ندارد».



«جلال محمودزاده»، نماینده مهاباد نیز با بیان اینکه، «برنامه توسعه هفتم ضعیف‌ترین برنامه دولت‌های پس از انقلاب است»، به رویداد ۲۴ می‌گوید که، «سرسری فقط یک متن آماده کرده‌اند.» وی با بیان اینکه «لایه‌گری در دولت زیاد است»، اظهار کرد که «برنامه هفتم با حدود ۲ سال تأخیر به مجلس آمد. شایسته بود بودجه ۱۴۰۲ بر اساس برنامه هفتم توسعه تنظیم می‌شد، ولی چون دولت تعلل کرد، بودجه بر اساس برنامه ششم تنظیم شد. در حوزه محیط زیست، کارگری و کشاورزی پیشنهادات خوبی در برنامه نیست و اشکالاتی وجود دارد».

ضد طبقه کارگری

اما یکی از انتقادات مهمی که به این برنامه وارد کرده‌اند، ماهیت «ضد کارگری» آن است. «علی بابایی کارنامی»، نماینده منتقد این برنامه به ایرنا می‌گوید: «اهداف کمی‌وکیفی هر برنامه‌ای باید نسبت به جامعه هدف آن کشور مشخص شود. بزرگ‌ترین جامعه هدف ما در کشور، کارگران هستند. هر برنامه‌ای که نتواند جمعیت بیش از ۵۰ میلیون ایرانی را قانع کند، ناکارآمد است.» رئیس فراکسیون کارگری مجلس معتقد است که «در بحث عدم پرداخت به موقع حقوق، در بحث رفاه کارگران، در بحث مسکن کارگران، در بحث امنیت شغلی کارگران و روابط تشکلی‌های کارگری و کارفرمایی و انسجام‌گرایی کارگران، در بحث نقش دولت به معنای دخالت و نظارت در روابط کارگران در کشور، در بحث استقلال تشکلی‌های کارگری و... ضعف‌ها مشهود است».

«مرتضی افقه»، استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز نیز برنامه هفتم توسعه را «ضد طبقه کارگر» دانسته و در این راستا به اپلنا گفته که، «دولت قصد دارد فشار وارده بر خود را

گروه سیاسی: لایحه برنامه هفتم توسعه روز گذشته بدون حضور ۹۰ نماینده مجلس مورد بررسی قرار گرفت؛ اگرچه تعدادی از نمایندگان به همراه رئیس مجلس در اجلاس بریکس در آفریقای جنوبی شرکت کرده‌اند، اما غیبت این تعداد از نماینده، آن هم در پنجمین جلسه بررسی برنامه هفتم توسعه عجیب به نظر می‌رسد. اما برنامه هفتم توسعه، به‌گونه‌ای تدوین شده که سروصدای موافقان دولت را نیز درآورده و از تیغ نقد برخی از این موافقان نیز در امان نمانده است. اما استدلال برخی از نمایندگان منتقد دولت، کارشناسان و تحلیلگران که با هشدار جدی درباره کیفیت پایین سند برنامه هفتم توسعه معتقدند که، این سند هیچ حرفی درباره صنعت ساخت، محیط زیست، بحران‌ها و نگرانی‌های مردم، خام‌فروشی و آشفته‌گی‌ها و... ندارد، می‌تواند عبرت‌آموز باشد و شاید راهی برای تجدیدنظرطلبی از سوی تدوین‌گران آن ایجاد شود. دولت درحالی در تدوین این برنامه نابخشودنی و دست‌پاچگی به خرج داده که سه برنامه قبلی توسعه شکست خورده و به بن‌بست رسید، اما هیچ تجربه یا عبرتی از شکست آن سه سند نگرفته است.

نکنه جالب توجه اینکه طبق گفته «فرشاد مومنی»، از برجسته‌ترین تحلیلگران اقتصادی، «روندهای بخش کلان» این برنامه، «عیناً یک کپی از گزارشی است که چند روز قبل، مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده بود! یعنی شتاب‌زدگی و ظاهر‌سازی و کپی‌برداری و بی‌بنیبه بودن!» این عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی که در ماه‌های اخیر به تحلیل مضامین و محتوای برنامه هفتم توسعه پرداخته، به جماران می‌گوید که، «برخی از

جریان‌سازی‌های اخیر برای عمده کردن مباحث حاشیه‌ای (ذیل این برنامه) را یک روند خطرناک» می‌داند. این تحلیلگر اقتصادی همچنین تأکید می‌کند که «برای اولین بار شاهد هستیم سندی تدوین شده که در آن مشارکت دستگاه‌ها، مناطق و بخش‌ها از شکل‌گیری این سند حذف شده است، لذا این شیوه برنامه‌ریزی مشکوک است».

توهم رفع تورم

اما انتقاد برخی از نمایندگان منتقد نیز در این راستاست که این احکام برنامه توسعه باید ضمانت اجرایی داشته باشند؛ «غلامرضا نوری قزلبه» در انتقادی آشکار با بیان اینکه «تورم ۵۰ درصد است و در برنامه توسعه هفتم می‌گویند به ۹ درصد می‌رسیم»، اظهار کرد: «در حوزه اقتصادی، رشد ۸ درصدی را در نظر گرفته‌اند، درحالی که ما می‌دانیم در چندین سال گذشته، متوسط رشد، بالای ۲ درصد زفته است. حال باید پرسید چطور قرار است به یک‌باره به رشد ۸ درصد برسیم؟» غلامرضا نوری در مخالفت با کلیات برنامه هفتم توسعه کشور به رویداد ۲۴ می‌گوید: «این برنامه، ضعیف‌تر از برنامه‌های گذشته توسعه کشور است و نمی‌تواند مملکت را در مسیر درست و پیشرفت قرار دهد». این نماینده مجلس می‌گوید که، «دولت سیزدهم، حدود ۲ سال، برنامه هفتم توسعه کشور را دیرتر به مجلس فرستاد که این یک انتقاد بزرگ به عملکرد آنهاست» و در ادامه و با بیان اینکه «در برنامه هفتم توسعه کشور، تشکیلات اضافی که ایجاد شده، اصلاً درست و قابل قبول نیست. به طور مثال، در حوزه فرهنگی، احکامی آورده شده که حتماً نیازمند قیدهایی است و وگرنه در جامعه مشکل‌ساز خواهد شد».

این نماینده منتقد دولت در ارزیابی تحلیلی می‌گوید که

ویترین: تازه‌های کتاب

سولاز از چشم بوبین

نگاهی به کمی تاریکی برای خوب دیدن

آثار کریستیان بوبین مصداق بارز این گفته است که کتاب‌های خوب با دارند؛ خودشان راه می‌افتند و می‌گردند تا مخاطبشان را بیابند؛ حتی اگر نویسنده در جغرافیایی دیگر یا جهانی دیگر باشد.

بوبین در فاصله‌ای بعید و غریب از ما (فرانسه) می‌زیست اما آنچه از عشق، معنویت، کودکی، طبیعت و البته مرگ می‌نوشت، به مذاق و مزاج خوانندگان فارسی‌زبان خوش نشسته بود. او ۱۰ ماه پیش (۲۳ نوامبر ۲۰۲۲) از آستانه گذشت و به جهانی دیگر سفر کرد اما آثارش با آن تثر و نگاه شاعرانه و ظریف، همچنان خوانده خواهد شد؛ چنان‌که «کمی تاریکی برای خوب دیدن» او مدتی پس از درگذشتش توسط نشر خزه و با ترجمه سمیه سزاوارشریعتی و مژده ابراهیم‌تاج، منتشر شد. این دو مترجم کتاب دیگری از این نویسنده و شاعر فقید را هم ترجمه کرده‌اند به نام «سب دل» که آن را هم نشر خزه منتشر کرده است.

«کمی تاریکی برای خوب دیدن»، شرح شاعرانه‌ای است از مواجهه بوبین با نقاشی‌های نقاش بزرگ فرانسه، پی‌یر سولاز که از قضا او هم یک ماه پیش از بوبین و در ۱۰۲ سالگی درگذشت. این کتاب البته به نقد و تحلیل آثار سولاز اختصاص ندارد، بلکه بوبین به این بهانه، همان مضامین همیشگی‌اش را بر صفحات کتاب جاری کرده است، یعنی کودکی، تنهایی، عشق و مرگ. اما از آن‌جا که «کمی تاریکی برای خوب دیدن» جزو آخرین کتاب‌های اوست، همه این درونمایها پخته‌تر و ظریف‌تر بیان شده‌اند. بوبین در این کتاب، شبی تاریک را به تصویر می‌کشد که در کنار آدم‌های مهم زندگی‌اش در قطاری به سمت خانه سولاز در حرکت است تا کتاب قبلی‌اش «سب دل» را به او تقدیم کند. نام اصلی کتاب «پییر» است و کریستیان بوبین آن را در آستانه صد سالگی پی‌یر سولاز نوشته.

در واقع این نام نامتعارف که با ویرگول هم آمده، اشاره دارد به کتابی که یک شعر بلند منشور است در ستایش این نقاش و نامه‌ای عاشقانه خطاب به دوستی هنرمند. از آنجا که اسم کتاب برای مخاطب فارسی‌زبان غریب بود و پی‌یر سولاز هم در ایران نقاش چندان شناخته شده‌ای نیست، مترجم نام آن را به «کمی تاریکی برای خوب دیدن» تغییر داده‌اند که از متن کتاب گرفته شده است. پی‌یر سولاز، ۲۴ دسامبر ۱۹۱۹ در رودز، واقع در جنوب فرانسه به دنیا آمد و ۲۴ اکتبر ۲۰۲۲ درگذشت. سولاز یکی از اصلی‌ترین نمایندگان سبک هنر غیررسمی به‌شمار می‌رود. هنر غیررسمی، یک جنبش بزرگ فرانسوی است که هنر انتزاعی هندسی را فدای بیان صریح می‌کند در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، هنرمندانی چون سولاز و جورج ماتیو روی حرکات بیانی قلم کار کردند که سبکی به نام «تاشیسم» را در زیر مجموعه هنر غیررسمی پدید آوردند. «تاشیسم» نوعی کشمکش بین خط و قلم است. آثار تاشیسم یا رنگ افشانی، انبوهی رنگ هستند که روی هم قرار می‌گیرند و با خطوط سریع نقاشی می‌شوند. شهرت سولاز در استفاده از پازتاب نور در رنگ سیاه است که خود آن را سیاه-نور یا فراسیاه می‌نامد. او می‌گوید: «کاری که می‌خواستیم با جوهر انجام دهیم، سفید و براق کردن کاغذ سفید است تا همچون برف شود». او رنگ سیاه را رنگ بسیار فعالی می‌داند که با قرار گرفتن در کنار یک رنگ تیره برانگیخته می‌شود. اولین تجربه فراسیاه سولاز به ژانویه ۱۹۷۹ بازمی‌گشت، این تجربه موجب تحولی در کار سولاز شد و اولین تابلوی فراسیاه او نقاشی در موزه فابر موبیولیه نگهداری می‌شود. کریستیان بوبین که سال ۲۰۱۶ جایزه آکادمی فرانسه را برای تمامی آثارش از آن خود کرد، سال ۲۰۱۹ کتاب «پییر» را نوشت که همچون کتاب‌های دیگرش با استقبال فراوانی مواجه شد. این کتاب خط فاصله‌ی میان سولاز نقاش و بوبین شاعر است، کتابی ساخته شده با قلم و قلمو سولاز در تک‌تک صفحات این کتاب حضور دارد بی‌آن‌که باشد؛ در واقع، بوبین، با هنرمندی در مورد یک دوست می‌نویسد.



کمی تاریکی برای خوب دیدن
کریستیان بوبین
ترجمه سمیه سزاوارشریعتی، مژده ابراهیم‌تاج
نشر خزه / ۷۲ صفحه / ۵۰ هزار تومان

ادامه تیتربک

باج نمی‌دهم

اوزمانسی که عزم خود را برای ساخت این مجموعه جرم می‌کند، با پرسش‌های زیادی از سوی خیلی‌ها مواجه می‌شود. به او می‌گویند، مگر جنگ را دیده‌ای و چرا می‌خواهی عملیات بدر و خیبر را به تصویر بکشی؟ دو عملیاتی که به قول حجازی فر عدم‌الفتحند. اما او به خاطر توصیه پدر، علاقه‌اش والبتة لشکر عاشورا که همه اعضای آن از همشهریان‌ش بودند و از خوی عازم جبهه شده بودند، تمامی این پرسش‌ها را از سر می‌گذراند و عملیاتی عجیب و سریالی غریب را کارگردانی کند که نشانی از تجربه اول کارگردانی ندارد. «عاشورا» آنقدر پر از جزئیات و دقیق ظریف است که انگار کارگردانی با تجربه و پخته‌پشت‌دوربین این مجموعه ایستاده است. حجازی فر تعلق خاطر زیادی به مهدی باکری دارد اما می‌گوید برای ساخت «عاشورا» باید همه آن را کنار می‌گذاشته تا بتواند روایتی بی‌کم‌وکاست به تصویر کشد که واقعیت‌های زندگی شهدا و جنگ نابرابر را به خوبی نشان دهد. او پیش از ساخت به فرزند حمید باکری قول می‌دهد اولاً تاریخ را جعل نکند و دوماً به مخاطب باج ندهد. «عاشورا» نشان می‌دهد که حجازی فر به هر دو قولش به خوبی وفا کرده و حالا پیش پدر، خانواده شهدا و اهالی هنر سربلند است.

با هادی حجازی فر در دفتر روزنامه سازندگی گفت‌وگو کردیم که در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید:

برای پژوهش و تحقیق چقدر وقت گذاشتید، به سراغ چه کسانی رفتید و این پروسه چقدر طول کشید؟

به دلیل اینکه چندین بار برای ساخت این سریال تلاش‌هایی انجام شده اما به نتیجه نرسیده بود، ذهنیت منفی راجع به این پروژه وجود داشت. من برای پژوهش چند مشکل بزرگ داشتم که تنها یکی از آنها عدم بودجه بود؛ در ابتدا تصمیم گرفتم بانک اطلاعاتی‌مان را پر کنیم و به سراغ منابعی که استفاده نشده بود، رفتم؛ مثل کاست‌هایی که هنوز پیاده نشده بود. این کاست‌ها مال خانواده و دوستان و متعلق به سال‌های ۶۲، ۶۳ و ۶۴ بود. ما می‌خواستیم ببینیم کدام روایت درست است؟! من قرار بود مهدی باکری را بسازم، ولی قرار نبود عاشقش باشم، به‌رغم اینکه عاشقش بودم، باید می‌گشتم و حقیقت را پیدا می‌کردم. نزدیک به ۹۰۰ قصه و بچه‌قصه از خاطرات رزمندها درآوردم؛ هم درباره آقا مهدی، هم حمید یاخچیان و هم رزمندها و بسیجی‌های ساده. تیمی را جمع کردم و به یکسری آدم خیلی معمولی فراخوان دادم، مثل دانشجویان تئاتر و رشته‌های دیگر. این بچه‌قصه‌ها را دادیم آنها خواندند. دو سه جعبه درست کرده بودیم؛ آنهایی که دورریز است، آنهایی که بد نیست و آنهایی که خوب است. ۹۰ درصد این کار از دورریزها ساخته شد؛ به خاطر اینکه این بخش عاری از کلیشه‌ها بود. من تنها ۷ قسمت فرصت داشتم برای اینکه بخش‌هایی از ناگفته‌ها یا کمتر شناخته‌شده‌ها را بگویم. ما در مرحله پژوهش ۸، ۷ ماه شبانه‌روزی کار کردیم.

از اول طی کرده بودند هفت قسمت باشند یا خودتان می‌خواستید؟

صد او سیما توان ساخت قسمت‌های بیشتر را نداشت. ما این همه شهید دادیم، خانواده‌هایشان و هم‌زمانشان همگی می‌خواهند از آنها سریال ساخته شود. سریالی که برای شهید شيرودی ساخته شد ناخودآگاه الگوی ذهنی همه شد که همه این مجموعه‌ها باید ۳۰، ۴۰ قسمت باشند اما امکانش وجود ندارد.

با اینکه می‌گویید، این همه بچه قصه داشتید، چرا حجم قصه‌تان کم است؟ بیشتر فضا سازی کردید تا قصه‌گوی. بله، به خاطر اینکه استفاده از بسیاری از آن داستان‌ها باعث می‌شد که سریال مغلوب شعارهای جاری در قصه‌ها شود. نه اینجا، در همه جای دنیا انقلاب ادبیات خود را دارد. من به دنبال این نبودم که این کار را برای یادواره سرداران شهید بسازم. من می‌خواستم سریالی بسازم که بیشتر از اینکه برای مردم باشد، برای مسئولان باشد. وقتی این قصه‌ها را می‌خواندم با خود می‌گفتم، این آدم‌ها برای باور و اعتقادی رفتند که قرار بر انقلاب مستضعفین بود تا کارگران حمایت شوند و فاصله طبقاتی نباشد؛ چطور بعضی از مدیران الان، از عقب‌شان نمی‌ترسند یا از اینکه به زندگیشان آسیب برسد؟ این میز روی هزاران جنازه به دست



آنها رسیده است. بنابراین برای من اصل این بود که فضا را درآورم و اگر فضا در نمی‌آمد، قصه به دردم نمی‌خورد.

این سریال را چقدر به توصیه پدرتان و چقدر بنا بر علاقه خودتان ساختید؟

هم توصیه پدرم بود و هم علاقه‌مند بودم. من از بچگی در جنگ بودم و این آدم‌ها، آدم‌های مورد علاقه‌ام بودند. آنها را می‌پرستیدم و تلاش می‌کردم رفتارهایم مثل آنها باشد. به نظرم جنگ، درام بزرگی است هر جای دنیا که می‌خواهد باشد. اینجا مختصات خودش را دارد. بعد از جنگ جهانی اول و دوم و حتی انقلاب‌هایی که در آمریکای لاتین رخ داد؛ آثار هنری شگفت‌انگیزی در زمینه ادبیات، مثل رمان و شعر به وجود آمد. در واقع، این فنی است که جنگ فشرده کرده و آن را آزاد می‌کند، چون احساسات عظیمی را با خود به همراه می‌آورد. به من می‌گفتند تو که جنگ را ندیدی، می‌گفتم بله ندیدم؛ اما آنقدر خواندم که می‌توانم بسازم. اتفاقاً به نظر من آن‌گونه که باید از پتانسیل جنگ استفاده نشده است. خود جنگ و همه وقایع‌اش درام محض است؛ چون در نهایت، قهرمان ما می‌تواند با ارزش‌ترین چیزش را در لحظه ببازد.

از ابتدا در ذهن‌تان این بود که می‌خواهید سریالی ضد جنگ بسازید؟

نه، من یک تفسیر جدید داشتم. در زمان جنگ یک نگاه به این فیلم‌ها داریم که باید انگیزشی و قهرمانی باشد تا مردم بروند و جبهه خالی نمانند. نتنها اینجا، بلکه همه جای دنیا اینطور است. اما حالا ما هر فیلمی که می‌سازیم، انگار درحال جنگیم. من در وسط دو قطبی درباره جنگ بزرگ شدم؛ یعنی خانواده مادریم با خانواده پدریم کاملاً متفاوت بودند. دوتا از عموهام یکی ۲۷ ساله و دیگری ۲۹ ساله در یک روز شهید شدند. بعد از شهادت‌شان پدر و خانواده‌اش در مسجد ایستاده بودند و از مردم تشکر می‌کردند، بدون اینکه گریه کنند. اما شب در خانه پدر بزرگم بودم و احساس کردم صدایی می‌آید. وقتی از حیاط به زیرزمین نگاه کردم دیدم تمام خواهر و برادرها به زیرزمین رفته بودند، همدیگر را بغل کرده، گریه می‌کردند و خود را می‌زدند؛ ولی در بیرون، چون در جنگ بودیم نباید اینطور رفتار می‌کردند. الان وقتش است که واقعیت‌ها گفته شود و قرار نیست این گریه‌ها در زیرزمین اتفاق بیفتند. باید همه بدانند آنهایی که می‌گفتند ما برای شهادت آمدیم؛ زن و بچه‌شان را دوست داشتند. عمومی من که شهید شد، فوق‌لیسانس فلسفه غرب داشت و مگر می‌شود او را با آهنگران گول زد و به جبهه فرستاد. پدرم قبل از انقلاب در دانشگاه ادبیات خوانده بود، عاشق ما بود و اگر تب می‌کردیم تا صبح نمی‌خوابید؛ ولی ما را می‌گذاشتند و می‌رفتند. اما ما همه اینها را بد منتقل کردیم. ما به سختی جنگیدیم. کسی که مطالعه کرده باشد می‌فهمد که

ایران با تمام دنیا می‌جنگید. این حرف‌ها شکل شعار است، ولی واقعیت دارد. در خیبر موشک آرپی‌جی از روی تانک عراقی‌ها کمانه می‌کند؛ چون تانک‌های جدید تی ۷۲ به عراق داده بودند؛ یعنی ما یک آرپی‌جی داشتیم که آن هم از کار افتاد. در جزیره مجبور شدند با نارنجکی که داخل تانک می‌انداختند، آنها را از کار ببندازند. در «عاشورا» ما شروع به نشان دادن تلفات کردیم. این همان نشان دادن واقعیت جنگ است. هر انفجار، یعنی یک خانواده یک عزیزی را از دست داد. در عملیات خیبر به ازای هر

۱۰ متر مربع یک گلوله توپ می‌خوردم.

در «عاشورا» اینطور به نظر می‌رسد که شما نگاه نقادانه هم

به بعضی اتفاقات و تصمیم‌گیری‌ها دارید؟ نقد در دلش هست اما تمرکز بر آن نبوده است. من حتی اسم عملیات را در سریال نمی‌آورم. این آدم‌ها برایم مهم‌تر از این هستند که یک کار استراتژیک راجع به جنگ انجام دهیم؛ چون اولاً، همه چیز را نمی‌دانم و دوم، صلاحیتش را ندارم. آیا من این حق را دارم که وقتی تریبون مثل تلویزیون گرم می‌آید چنین سریالی بسازم و تصمیمات آن زمان را تخطئه کنم؟ شاید یکی از دلایلی که این مساله حس می‌شود، سرنجام این دو برادر و هم‌زمانشان است. در مراحل اول، یکی از ده‌ها جایی که از من سوال می‌پرسیدند، چرا می‌خواهی خیبر و بدر را بسازی؟ گفتم چه کار کنم؛ حمید در خیبر و مهدی در بدر شهید شدند؛ چون این دو عملیات عملاً عدم‌الفتحند؛ نمی‌گویم شکست، چون به هر حال در خیبر جزایر منجون را گرفتیم. طرفداران این عملیات می‌گویند جزیره منجون جا پای ما شد تا بدر را شروع کنیم و جاده بصره را بگیریم. واقعیت این است که کسی نمی‌تواند بگوید چه کسی راست می‌گوید و چه کسی نمی‌گوید. برای من مهم این بود که اسم لشکر عاشوراست و درست مانند عاشورای امام حسین اینها هم می‌دانستند قرار است شهید شوند. مهدی باکری برای خودش برای ماندن در آنجا فلسفه داشت. می‌گفت ما تا اینجا آمدیم اگر حتی شده پنج نفر بمانیم باید آن‌پل را منفجر کنیم. اگر واحد تخریب در آن زمان نمی‌شد تاریخ جنگ عوض می‌شد. یک پل خیلی کوچک است که جنوب عراق را به شمال عراق وصل می‌کند و ما پل را گرفته بودیم. اگر تیم تخریب می‌رسید کل ارتباط جنوب عراق قطع می‌شد و در محاصره ما می‌افتاد. اما شب دیر می‌رسند کم می‌شوند و عراق کور می‌زند. دو گلوله توپ به وسط این گروه می‌خورد و چون همراهشان مواد منفجره بود، همه‌شان پودر شدند. اما من نمی‌توانم همه جزئیات جنگ را در هفت قسمت بیاورم. من یک قصه جذاب درباره سه برادر داشتم که هیچ کدام جنازه‌شان بر نمی‌گردد. این داستان عین افسانه است و سرنوشت هر سه به آب ختم می‌شود.

در سریال انگار حمید ناگزیر است که همراهی با برادرش را



دیدگاه: یادداشت روز

نروم اصلاح شیوه حکمرانی آب درباره نقش عوامل انسانی در خشکی دریاچه ارومیه



◀ **احسان علیاری**
دکترای علوم و مهندسی آب
و پژوهشگر حوزه آب

کاهش سطح آب دریاچه ارومیه، به خصوص در سال‌های اخیر به یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های اصلی زیست‌محیطی تبدیل شده است و متأسفانه پیامدهای ناگوار ناشی از خشک شدن این دریاچه و تخریب اکوسیستم آن، به طرز قابل توجهی کیفیت زندگی و حیات کشاورزی منطقه را تا شعاع ۵۰۰ کیلومتری این دریاچه در استان‌های مجاور تحت تاثیر قرار داده است.

حوضه دریاچه ارومیه به عنوان یکی از ۶ حوضه بزرگ آبریز کشور، میزان فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی بوده و ورودی‌های اصلی آب آن «سیمین‌رود»، «آزرین‌رود» و «آجی‌چای» هستند. این منطقه به علت وجود دشت‌هایی مانند دشت تبریز، دشت ارومیه، دشت بوکان و... یکی از کانون‌های مهم و اصلی برای انجام فعالیت‌های دامپروری و کشاورزی به حساب می‌آید. براساس اطلاعات مرکز ملی آمار ایران، ۴۲ شهر و ۵۲۰ روستا در حوضه آبریز دریاچه ارومیه قرار دارند و حدود ۹/۲ درصد از کل جمعیت ایران در این محدوده ساکن‌اند.

از نظر اکوسیستم می‌توان ادعا کرد، دریاچه ارومیه به جهت دارا بودن ۱۰۲ جزیره، دومین دریاچه شور از نظر سختی در جهان پس از بحرالمیت، بیستیمین دریاچه وسیع جهان، محل زندگی آبریز ارزشمند آرتیمیا و... حائز یک اکوسیستم ویژه است که به عنوان پارک ملی و هم‌چنین یک اندوخته طبیعی جهان در یونسکو به ثبت رسیده است. ولی در حال حاضر، دریاچه ارومیه حال‌روز خوبی ندارد و براساس پژوهش‌های انجام شده و اعلام مسئولان در بیش از دو دهه گذشته به طور متوسط هر ساله ۴۰ سانتی‌متر از ارتفاع موجود آب سطح دریاچه کم شده و در نتیجه ۹۵ درصد از کل آب موجود در آن کاملاً خشک و ناپود شده است.

نکته حائز اهمیت در مورد خشک شدن دریاچه ارومیه این است که در حال حاضر، میزان سطح تراز آب این دریاچه به قدری کاسته شده است که کفه و بستر کاملاً نمکی آن آشکار است و به محلی برای تجمع ریزگردهای رسوبی یا نمکی مبدل شده است و پراکنده شدن ریزگردهای نمکی در هوا خسارات جبران‌ناپذیری را در زیست‌بوم منطقه به همراه خواهد داشت.

دلایل مختلفی که سرآمد آنها سوءمدیریت در منابع آب و افراط‌گری در برداشت آبخوان‌ها و همچنین دست‌کاری در وضعیت طبیعی دریاچه است، دریاچه را در بدترین حالت ممکن خود قرار داده است. تحقیق جدیدی توسط چند تن از محققان در آمریکای شمالی نشان می‌دهد که خشکسالی و تغییرات اقلیمی، تنها باعث کاهش ۵ درصدی بارش در حوزه آبریز دریاچه شده و عوامل انسانی شامل پروژه‌های توسعه اقتصادی-آبی و ساخت جاده میان‌گذر روی دریاچه، وضعیت دریاچه را به بحران کشانیده است.

این درحالی است که طرف دو دهه اخیر، بیش از ۶۰ سد و بند در مسیر رودخانه‌های حوزه آبریز دریاچه ارومیه احداث شده که اکثر قریب به اتفاق آنها بدون پشتوانه مطالعاتی و آینده‌پژوهی ساخته شده‌اند و میزان آب ورودی به دریاچه را کاهش داده‌اند. گفتنی است همه این سدها توسط وزارت نیرو احداث نشده، بلکه تعداد زیادی از آنها، سدها و بندهای کوچک‌تری هستند که از سوی وزارت جهاد کشاورزی احداث شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

همچنین در اطراف دریاچه ارومیه و حوضه آبریز دریاچه طی این سال‌ها بیش از ۸۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز حفر شده که باعث کاهش شدید سطح آب‌های زیرزمینی این منطقه شده است. این موضوع ناشی از توسعه بی‌برنامه و بی‌رویه کشاورزی منطقه است.

در این میان، احداث غیراصولی پل میان‌گذر در روند خشک شدن دریاچه بی‌تاثیر نبوده است، چراکه عملاً امکان تبادل آب بین قسمت شمالی و جنوبی دریاچه را ناممکن ساخته، درحالی که چرخش آب و گردش هیدرولیکی آن برای ادامه حیات دریاچه ضروری بود.

تنها راهی که با اعمال آن می‌توان از پیامدهای ناگوار خشکی دریاچه ارومیه کاست، اعتماد به دانشمندان و پژوهشگران فعال در این حوزه و اجرای طرح‌های متنوع فناورانه، اصلاح شیوه‌های حکمرانی آب و اجتناب از سیاست‌گذاری‌های غیرکارشناسی و غیرتخصصی در موضوع آب است.



نروم بازگشت به مدیریت جنگ

◀ **صالح هوشیار**، دبیر اول حزب کارگزاران در آذربایجان شرقی: یکی از صحنه‌های متعالی دفاع مقدس، فداکاری رزمندگان در گشایش معابر مملو از مین بود. معبر این بار، کانون‌های بحرانی چون دریاچه ارومیه است که مین‌هایش جان ایرانیان، به خصوص ساکنان آذربایجان را تهدید می‌کند. پس بایسته است مسئولان با سرلوحه قرار دادن مدیریت دفاع مقدس، ثابت کنند که ایران گهواره شیران است.



کابوس خشک شدن دریاچه ارومیه

◀ **جواد زنجانی**، دبیر اول حزب کارگزاران در استان اردبیل: خشک شدن دریاچه ارومیه برخلاف تصور عموم محصول تصمیمات نادرست و سیاست‌های اشتباه در سطح کلان و ناآگاهی مردم در حوزه‌های آبریز دریاچه بوده است که علاوه بر مخاطرات زیست‌محیطی، مناطق مجاور می‌تواند کشاورزی و حتی حیات را (با توجه به ریزگردهای نمکی) در استان‌های اردبیل، همدان و زنجان نیز به مخاطره بیندازد.



مگر خدا کاری کند

◀ **هادی پناهی**، دبیر اول حزب کارگزاران در آذربایجان غربی: احیای دریاچه ارومیه یک ضرورت محیط زیستی است که جان میلیون‌ها نفر را تحت تاثیر قرار می‌دهد اما متولیان به جای مسئولیت‌پذیری با نادیده گرفتن عوامل انسانی دخیل، کاهش بارندگی‌ها را مهم‌ترین دلیل خشک شدن آن برجسته می‌کنند. گویا مسئولان چشم به آسمان دوخته‌اند تا مگر خدا کاری کند؛ مثل همه مشکلات دیگر.

عاملان بحران دریاچه ارومیه

گفت‌وگو با «محمدحسین حسن‌زاده»، عضو سابق ستاد احیای دریاچه ارومیه و رئیس شورای استان آذربایجان شرقی حزب کارگزاران سازندگی ایران



◀ **امید قلبی‌پور**
روزنامه‌نگار

همزمان با تشدید گرمای جهانی، کشور ما نیز تحت تاثیر گرمای بی‌سابقه در سال ۲۰۲۳ قرار گرفته و تحت تاثیر تابش خورشید، تخریب آب‌های سطحی شدت گرفته که افزایش تبخیر باعث شرایط نابه‌سامان دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور شده و اکثر آنها حال‌روز خوبی ندارند. چالش‌های مدیریتی و شدت تبخیر به‌طور ویژه در حوضه آبریز ارومیه بسیار زیاد بوده و باعث شده تا دریاچه ارومیه با وجود تلاش‌های جزیره‌ای که برای احیای آن انجام شده، باز هم در شرف خشک شدن قرار گیرد. تصاویر ماهواره‌ای هم که جدیداً ناسا از آخرین شرایط دریاچه ارومیه منتشر کرده، باعث نگرانی بیشتر هموطنان درباره سرنوشت دریاچه شده است.

در این راستا، «محمدحسین حسن‌زاده»، عضو سابق ستاد احیای دریاچه ارومیه و رئیس شورای آذربایجان شرقی حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با «سازندگی» با اشاره به سابقه فعالیت بیش از دو دهه خود در زمینه مسائل زیست‌محیطی و تشکل‌های مردم‌نهاد در این حوزه، به بررسی و مطالعه دریاچه ارومیه از سال ۱۳۷۶ تاکنون پرداخت. وی با اشاره به وضعیت بحران دریاچه ارومیه در دولت محمود احمدی‌نژاد خاطر نشان کرد: در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶، رئیس‌جمهور و دولت وقت مقاومت بسیاری برای عدم اجرای برنامه‌های توسعه و از آن جمله موضوع احیای دریاچه ارومیه و تالاب‌ها بود که نشان از بی‌اهمیتی این موضوع برای آنها داشت. به طوری که موجب اعتراضات فعالان زیست‌محیطی در این زمینه شد. حسن‌زاده با اشاره به اینکه از سال ۱۳۸۶ به بعد با مطالبه‌گری فعالان جامعه مدنی، اجتماعی و محیط زیستی منطقه با همکاری دفتر عمران سازمان ملل، شورای تنظیم سند مدیریت جامع دریاچه ارومیه با محوریت طرح ملی تالاب‌های کشور تشکیل و تیم‌های منتخب از سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کردستان پس از چند سال به توافق سند مدیریت جامع دریاچه ارومیه رسیدند، که پس از دو سال از اعضای آن به تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه منجر شد.

عضو سابق ستاد احیای دریاچه ارومیه با اشاره به بالا بردن حساسیت جامعه در دهه ۹۰، یادآور شد: در این بازه‌زمانی با توجه اهمیت موضوع احیای دریاچه ارومیه برای گروه‌های فعال محیط زیستی، نمایندگان وقت حوزه انتخابیه سه استان در این محور به پیگیری موضوع شدند؛ یکی از نمایندگان وقت آذربایجان شرقی به‌صراحت به گروه‌های فعال اعلام کرد که: «یک دریاچه ارزش این همه‌های وهوی ندارد؛ خشک شود، آسفالتش می‌کنیم». حسن‌زاده با بیان اینکه حساسیت اشتباه نمایندگان باعث به وجود آمدن نگاه امنیتی شد، خاطر نشان کرد: نگاه غیرکارشناسی، قانون‌گذاری نادرست و سیاست‌گذاری‌های اشتباه در حوزه کشاورزی را از دلایل دیگر بحران دریاچه ارومیه دانست و افزود: به جایی رسیدیم که علاوه بر آب‌های سطحی، دست به ذخایر استراتژیک آب‌های زیرزمینی برده‌ایم که این اقدام خود باعث معضلات دیگری مثل فرونشست و غیره می‌شود.

حسن‌زاده افزود: نبود برنامه‌ریزی مناسب باعث شده در بخش کشاورزی دچار مشکلات عدیده‌ای باشیم؛ چند برابر شدن سطح زیر کشت در منطقه حوضه آبریز دریاچه ارومیه یا حتی در مقطعی ورود مهاجران شهرهای بزرگ، مانند اصفهان برای کشاورزی در آذربایجان غربی، همگی نشان‌دهنده نبود مدیریت کارشناسی و مناسب است. این فعال محیط زیستی با اشاره به نقش بخش کشاورزی، خاطر نشان کرد: قطعاً موقعیت جغرافیای کشور و قرار گرفتن در شرایط خشک و نیمه‌خشک کشور در کنار توسعه بی‌رویه کشاورزی و مدیریت نادرست منابع آب، عامل شرایط کنونی دریاچه ارومیه و بسیاری از تالاب‌های کشور است و تا زمانی که به افزایش راندمان کشاورزی و مدیریت اصولی منابع آب و روش‌های نوین در این حوزه نرسیم، این شرایط ادامه خواهد داشت. وی یادآور شد: عملکرد ما در

دهه‌های گذشته در بحث مدیریت آب و افزایش بی‌رویه سطوح کشاورزی، در کنار تعدد چاه‌های مجاز و غیرمجاز در حوضه آبریز ارومیه حفر شده، نشان می‌دهد که ما اشتباه کرده‌ایم و باید تا دیر نشده، اشتباهات گذشته را جبران کنیم. این پژوهشگر حوزه محیط زیست گفت: مرگ دریاچه ارومیه سال‌های پیش اتفاق افتاده و غیرممکن است این دریاچه دوباره احیا شود، چراکه امروز این موضوع دیگر در بین اولویت‌های دولت سیزدهم نیست. وی افزود: دولت آقای رئیسی می‌توانست با برنامه‌ریزی کارشناسی مرگ دریاچه ارومیه را به تاخیر بیندازد و نگین سرخ آذربایجان را دوباره به سمت احیا برد که این موضوع هم مانند سایر وعده‌های دولت سیزدهم در شمال غرب فراموش شد. حسن‌زاده با اشاره به عدم نتیجه‌گیری ستاد احیای دریاچه ارومیه، تصریح کرد: بزرگ‌ترین دلایل نتیجه‌نگرفتن این ستاد در دولت سیزدهم، نقیض اختیار بی‌جا، عدم توجه به مسائل اجتماعی و فنی بود؛ چراکه وقتی پهنه‌ای آبی مانند دریاچه ارومیه تبدیل به بحرانی در سطح ملی و کشور است، نباید ریاست این موضوع را به استان سپرد؛ چراکه منابع محدود منطقه‌ای جوابگوی این بحران کشوری نبوده و موضوع دیگر این است که هیچ زمانی مدیران دستگاه‌های اجرایی زیر سایه دستور یک استاندار نمی‌روند.

وی ادامه داد: عملکرد دولت سیزدهم در قضیه دریاچه ارومیه، یک عملکرد نمایشی است که به جرأت می‌توانم بگویم این موضوع حتی جز اولویت‌های آخر رئیس‌جمهور هم نیست و تمامی اقدامات حال حاضر مصوبه ستاد احیای دریاچه متعلق به چندین سال قبل است. رئیس شورای آذربایجان شرقی حزب کارگزاران سازندگی ایران افزود: معتقدم دو مقصر بزرگ خشک شدن دریاچه ارومیه، وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی است که بدون هیچ برنامه‌ای به سمت ناپودی اکوسیستم طبیعی منطقه حرکت می‌کنند. وی دولت روحانی را نقطه مقابل دولت رئیسی دانست و عنوان کرد: دولت یازدهم نخستین مصوبه هیات دولت خود را در اختیار این پهنه آبی قرار داد که نشان‌دهنده اهمیت موضوع بود. ایسن دولت با اجرای طرح‌های مختلف در زمینه کشاورزی و مدیریت هدفمند آب توانست دریاچه ارومیه را به سمت امید سوق دهد. حسن‌زاده در پایان با بیان اینکه به احیای دریاچه ارومیه از طرف دولت سیزدهم ناامیدم، خاطر نشان کرد: دولت فعلی می‌توانست با ادامه برنامه‌های مصوب ستاد احیا و افتتاح و انجام به‌موقع پروژه‌ها، از جمله کانال و تونل کانی سبب که بعضاً در دولت قبل به مرحله نهایی رسیده بودند، از عمق فاجعه جلوگیری کند.





سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عظیمیانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتناعی
مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آریزفر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

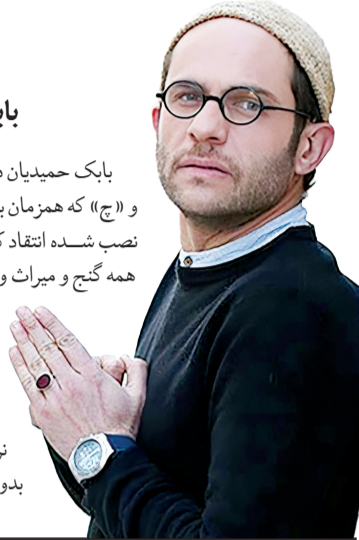
تماشا

شما بی جا کردید...

بابک حمیدیان از نصب بیلبردهایی با تصاویر فیلم‌های دفاع مقدس در شهر تهران انتقاد کرد

سیمرغ اصغر وصالی شانش از بین رفت، پستون می‌دم، امروز فردا خلوت شدم. حمیدیان در سال ۹۸ نیز اعلام کناره‌گیری از جشنواره فیلم فجر کرد. موضوعی که با واکنش یک کارشناس رسانه‌ای در برنامه هفت مواجه شد. احسان رستگار در برنامه هفت گفت: «کسانی که عمده فعالیت آنان با نهادهای رسمی کشور بوده بیانیه می‌دهند و می‌گویند می‌خواهیم از جشنواره فجر کناره‌گیری کنیم! شما هم می‌خواهی هم از تویره بخوری و هم آخورا!» حمیدیان در پاسخ به وی نوشت: «اینکه شما و امثال شما که از تریبون آزاد می‌ترسید و جهان را به دو قسمت خودی و غیرخودی تقسیم فرمودید، دیگر نباید اجازه پیدا کنید که اذهان دست نخورده و پاک بینندگان‌تان را با جمله‌بندی‌های توهین‌آمیز و نسخه‌های تهوع‌آورتان خراش بیندازید».

بابک حمیدیان در توییتری از بیلبردهایی با تصاویری از فیلم‌های «غریب» و «ج» که همزمان با هفته دفاع مقدس توسط شهرداری تهران در سراسر شهر نصب شده انتقاد کرد و در حساب شخصی خود در توییتر نوشت: چرا از این همه گنج و میراث و جان عاشق سپر بلا ساختید. برای ترس؟ برای آشتی؟ برای یادآوری؟ شما مراقبت نکردید. تاریخ را که خوانده خواهد شد، چه خواهید کرد؟ ثانیه‌ای جرأت گفت‌وگو نداشتید و ندارید. از بروجردی برای راز گفت‌وگو عقب بودید. همیشه! از وصالی هم شهامت را الگو نکردید. به درد مردم نرسیدید. با دردهایشان تنهایشان بگذارید. شما بی جا کردید بدون اجازه از این همه صورت و میراث سوء استفاده کردید.



کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۷۹



اصلاحات در بحران ۱۱۲

جمعه ۲۱ مرداد

تظاهرات در حمایت از اقدام رهبری

تا شب در منزل مطالعه و کار کردم. امروز هم در بعضی شهرها، تظاهرات در حمایت از اقدام رهبری در مورد مجلس بود. بعضی گروه‌های دانشجویی هم بیانیه داده‌اند و از مجلس خواسته‌اند که لایحه طرح مطبوعات را پیگیری نکنند. عملاً بعضی از گروه‌ها و افراد، صریحاً در مخالفت با رهبری حرف می‌زنند و در رسانه‌های غربی هم روی این موضوع و نیز بازداشت یهودی‌ها و [حسن] یوسفی [اشکوری] و [احمد] زیدآبادی، [روزنامه‌نگار] و تعطیلی [روزنامه] بهار و ... انتقادهای شدیدی دارند و صریحاً رهبری را به عنوان مسئول اینها معرفی می‌کنند.



به‌رغم خشکسالی شدید، در خراسان و سمنان، سیل شدید و خرابی داشته‌ایم. در ترکیه، بین نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور اختلاف افتاده؛ [آقای بولنت اجویت]، نخست‌وزیر می‌خواهد کارکنان مذهبی دولت را اخراج کند و آقای [احمد نجدت] سزر، مخالف است.

در خانه بودم. وقت با مطالعه و استراحت گذشت. ظهر، یاسر و مهدی و مریم و لیلی بودند و شب، محسن و بیچه‌هایش. اکثر انمه‌جمعه، دستور رهبری در مورد [مسکوت ماندن] طرح [اصلاح قانون] مطبوعات و اقدام مجلس به حذف از دستور را ستایش کرده و به افرادی از نمایندگان که مخالفت کرده‌اند، تاخته‌اند و رسانه‌های بیگانه، مستقیماً به رهبری حمله می‌کنند.

در کشمیر، حزب المجاهدین که آتش‌بس اعلان کرده بود، به خاطر عدم تحقق انتظاراتش از سوی هند، اعلان تجدید مبارزات مسلحانه کرده و انفجاری هم با تلفات زیاد انجام داده و تهدید به انفجار بزرگتر در هند کرده است. در عربستان سعودی، زندانیان یک زندان، در یک اقدام کم سابقه شورش کرده‌اند و خواستار بهتر شدن وضع خود هستند. اخیراً عفوف بین‌الملل، گزارشی در مورد وضع بد زندانیان در سعودی داده که بی‌تأثیر نیست. روز چهارشنبه هم در یک منطقه آمریکایی و انگلیسی‌نشین عربستان، تیراندازی صورت گرفت که انعکاس وسیعی داشت.



امروز با محسن، [مدیر دفتر نشر معارف انقلاب]، در مورد کیفیت راه‌اندازی مرکز اسناد، کتابخانه و موزه ریاست جمهوری رفسنجان و نیز انتشار صورت‌اموال خانواده که در زمان ریاست جمهوری به قوه قضاییه داده‌ایم، مذاکره کردیم. با توجه به شایعاتی که در مورد ثروت ما توسط دشمنان در داخل و خارج رواج یافته، با اعلان دارایی‌ها که با تأیید رئیس قوه قضاییه در نمازجمعه، شایعات را خنثی می‌کند و باعث تعجب دنیا می‌شود که در مدت بیست سال، از دارایی ما کاسته شده و مقدار آن هم قابل توجه نیست. با بحث اصل ۱۴۲ [قانون اساسی] که اخیراً مطرح شده، فرصت خوبی است.

پارلمان

سفره خالی و پز عالی

انتقادات تند مسعود پزشکیان از رئیسی؛ قیمت مرغ و برنج را به قبل برگردانید، ما هم قبول می‌کنیم دولت خوب است



از طرفی دولت هر اقدامی انجام داده نتوانسته زندگی مردم را از سختی خارج کند. اگر دولت می‌گوید موفق است به سفره مردم نگاه کند و ببیند موفقیتی مشاهده می‌کند یا خیر». نماینده مردم تبریز در مجلس یازدهم همچنین گفته است: «موضوعی که به نام عدالت درباره مدارس غیرانتفاعی مطرح می‌شود این است که مدرسه غیرانتفاعی، یعنی مدرسه پولدارها در مقابل فرزندان اکثریت مردم که حدود ۸۰ درصد آنها، به مدارس دولتی می‌روند، چرا نباید از استانداردهای علمی مناسب برای آموزش برخوردار باشند که این دانش‌آموزان در آینده بتوانند سهمی در دانشگاه‌ها داشته باشند. درحال حاضر، بیش از ۸۰ درصد دانشجویانی که در دانشگاه قبول می‌شوند در مدارس غیرانتفاعی درس خواندند».

مسعود پزشکیان، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی و وزیر بهداشت در دولت اصلاحات در گفت‌وگو با پایگاه خبری منیسان گفته است که: «دولت شعار می‌داد که سفره مردم را به برجام وصل نمی‌کنیم، درحال حاضر هم عده‌ای ادعا می‌کنند که سفره مردم را به برجام وصل نکردند. آن زمان که مرغ ۲۵ هزار تومان بود می‌گفتند مشکل از مدیریت است اما از وقتی خودشان بر سرکار آمدند قیمت گوشت و مرغ چهار، پنج برابر شده است. از طرف دیگر، مدعی می‌شوند که پول‌ها را گرفتیم اما دلار ۵۰ هزار تومان شد که همین قیمت را هم به زور نگه داشتند، این اقداماتی که انجام دادند چه تاثیری بر سفره مردم یا در اقتصاد جامعه گذاشته که اینها چنین صحبت‌هایی را می‌کنند». او انتقاد کرده که: «در مجموع زندگی مردم سخت شده و این مورد قابل درک است.

دولت

پدیده مهاجران افغان

وزیر کشور می‌گوید: که ۵ میلیون مهاجر افغانستانی در کشور داریم

۵ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران گفته بود که «آنها چالش امنیتی برای کشورمان ندارند، دستگاه‌های امنیتی کنترل‌های خاص خود را دارند، ولی ساماندهی مهاجرین به نظارت بیشتری نیاز دارد. هر جمعیتی ممکن است مشکلات امنیتی وجود داشته باشد، اما دستگاه‌های اطلاعاتی چنین گزارشی را نداده‌اند و اگر باشد رسیدگی خواهد شد». اخیراً نیز یک ماهنامه عنوان کرده بسیاری از مهاجران افغان در ایران معتقدند به دلیل افزایش جمعیت آنها باید در این کشور سهم و حق و حقوقی داشته باشند و دیگر شهروند عادی در ایران محسوب می‌شوند!

و اتباع غیرمجاز باید برگردانده شوند. کسانی هم که مجوز حضور دارند، باید ساماندهی شوند. وی درباره آمارهای این حوزه نیز تأکید کرده که، «آنچه ما می‌توانیم تأیید کنیم ۵ میلیون نفر است. البته تعداد مهاجرین رسمی کمتر است. به نظر می‌رسد اظهارات غیرکارشناسانه و آمارهای ساختگی درباره تعداد مهاجرین افغان بیان می‌شود». وحیدی تیر ماه سال جاری نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا با اشاره به حضور



احمد وحیدی، وزیر کشور دولت سیزدهم روز گذشته در حاشیه نشست هیات دولت در جمع خبرنگاران گفته است که، وزارت کشور در تلاش برای ساماندهی امور مهاجرین است اما آنچه در رسانه‌ها گفته می‌شود ممکن است مبالغه‌هایی باشد که هیچ مرجع رسمی این اعداد را تأیید نمی‌کند اما کاملاً مشخص است که براساس یک برنامه طراحی شده نسبت به ساماندهی اتباع خارجی اقدام خواهد شد

آگهی مزایده عمومی

فروش ۱۳ خودرو مستعمل و اسقاط

شناسه آگهی: ۱۵۷۶۵۸۴



شهرداری یزد در نظر دارد ۱۳ خودرو مستعمل و اسقاط به شرح مذکور و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده را با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی (www.setadiran.ir) با شماره مزایده ۰۰۲۰۰۵۱۲۰۰۰۰۰۲ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

زمان انتشار در سایت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

مهلت دریافت اسناد مزایده: تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

تاریخ بازدید: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۵ تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

زمان بازشگشایی: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹
زمان اعلام به برنده: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می‌باشد:

- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرایند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده در صورت وجود هزینه مربوطه پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، واریز وجه مزایده و تحویل کالا در بستر سامانه از این طریق امکان‌پذیر می‌باشد.
- پیشنهاد می‌گردد با توجه به تنوع خودروهای مطرح شده در مزایده قبل از ارائه پیشنهاد از اقلام موضوع مزایده بازدید به عمل آورید.
- علاقتمندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره‌های ذیل تماس حاصل نمایند: مرکز پشتیبانی و راهبری: ۱۴۵۶
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه www.setadiran.ir (بخش «ثبت نام/پروفرایل مزایده گر») موجود است.

مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری یزد